

صداقت گوهر سیاست

اخلاق و سیاست در گفت‌وگو با ابوالفضل بازرگان

بابک مهدیزاده، ۱۳۸۶/۳/۲۷

نمی‌توان از اخلاق و سیاست سخن گفت و یادی از مهندس مهدی بازرگان، رئیس دولت موقت نکرد. او به واقع تلفیق اخلاق و سیاست در حکومتداری بود. اکنون ابوالفضل بازرگان از جایگاه اخلاق و سیاست‌ورزی پدر با «هم‌میهن» سخن گفته است. آنچه در پی آید حاصل گفت‌وگویی مکتوب با ابوالفضل بازرگان است.

از نظر مهندس بازرگان، اخلاق چه جایگاهی در سیاست داشت؟ آیا بازرگان به‌خاطر اخلاق رسوایی و صداقتش در سیاست ضربه نخورد؟ شاید بسیاری از سیاستمداران اگر جای مهندس بازرگان بودند، مصلحت‌اندیشی می‌کردند و مثلاً برخلاف جو عمومی با اشغال سفارت مخالفت نمی‌کردند، اما به نظر شما کدام رفتار نتیجه بهتری دارد؟

از نظر زنده‌یاد مهندس بازرگان اخلاق جایگاه والایی در سیاست داشت. اصولاً ورود به عرصه پرفراز و نشیب سیاست و سیاست‌ورزی در طول زندگی پربرکتش بر پایه احساس تکلیف دینی و ملی بود و او همواره تلاش می‌کرد که در فعالیت‌های سیاسی موازین اخلاق مبتنی بر اسلام و حقوق بشر را با وسواس رعایت کند.

اگر از نظر یک فرد، هدف اصلی سیاست کسب یا حفظ قدرت به هر قیمت و با هر وسیله باشد (تفکر ماکیاولیستی)، اخلاق‌گرایی و صداقت‌ورزی می‌تواند به آن هدف ضربه بزند، ولی برای مهندس بازرگان هدف‌های بلندمدت، ارزش‌های متعالی و رستگاری نهایی، مهم‌تر از موفقیت‌های کوتاه‌مدت این جهانی بود و از این رو، پایبندی به صداقت را گرچه ممکن بود باعث از دست‌دادن منصب یا عدم دستیابی به هدف‌های سیاسی شود، ضربه و زیان به شمار نمی‌آورد. برای دستیابی به یک موفقیت سیاسی فوری، بدون در نظر گرفتن اصول اعتقادی، مصلحت‌اندیشی به معنای نادرست ولی متداول آن می‌توانست نتیجه بهتری بدهد، ولی مهندس بازرگان دستیابی به چنین نتیجه‌ای را حتی به لحاظ مصلحت واقعی صحیح نمی‌دانست.

آیا می‌توان هم سیاستمداری محبوب بود و هم به فکر مصلحت‌اندیشی؟ چرا برخی از سیاستمداران که به قدرت می‌رسند، شعارهای تو خالی می‌دهند؟

علی‌الاصول، اگر مصلحت‌اندیشی مغایرتی با موازین شرعی و قانونی نداشته باشد، ناپسند نیست بنابراین یک سیاستمدار مصلحت‌اندیش در چارچوب شرع و قانون هم می‌تواند محبوب باشد. البته شعارهای مردم‌پسند بدون پشتوانه نظری و تجربی معمولاً پیش از رسیدن به قدرت داده می‌شود، ولی برخی از سیاستمداران برای حفظ قدرت نیز به این‌گونه شعارها روی می‌آورند.

اخلاق چه جایگاهی در سیاست‌ورزی اصولگرایان و اصلاح‌طلبان ایرانی داشته است؟

اگر برخی از شاخص‌ها و مصادیق مهم اخلاق‌گرایی را انطباق و یکسانی گفتار و کردار، ایفای وعده‌ها و شعارها، صداقت و شفافیت، قانونگرایی، رعایت حقوق قانونی و شهروندی مردم، اعم از موافق یا مخالف بدانیم، اصولگرایان دولت نهم برپایه ارزیابی کارشناسان و فعالان عرصه‌های سیاست، اقتصاد و حقوق، کارنامه قابل‌قبولی تاکنون ارائه نکرده‌اند.

اصلاح‌طلبان (منظور سازمان‌ها و شخصیت‌های درون حاکمیت در دولت آقای خاتمی است) نیز طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دادند و نمی‌توان درباره همه آنان داوری کلی و قطعی کرد، ولی می‌توان گفت که بخش قابل‌توجهی از آنان پایبند اخلاق در سیاست‌ورزی بوده‌اند.

عامه‌مردم درباره سیاست می‌گویند: «سیاست پدر و مادر نمی‌شناسد» چرا چنین تعبیری دارند؟ شاید به این دلیل که رفتار بسیاری از سیاستمداران و سیاست‌پیشگان در ایران و جهان فاقد صداقت و شفافیت و پایبندی به اخلاق بوده است و آنان بعضاً از هر وسیله و شیوه‌ای از جمله فریبکاری، دغل‌بازی و خیانت برای دستیابی به قدرت و حفظ آن استفاده کرده‌اند.